

# اوضاع و احوال میرزا یحیی ازل

حضرت بهاء الله

اصلی فارسی



لوح رقم (130) امر و خلق - جلد 2

## ۱۳۰ - اوضاع و احوال میرزا یحیی ازل

از حضرت بهاء الله در کتاب بدیع است قوله الاحلی حسب الامر دولت ایران بعراق تشریف آوردند و میرزا یحیی بعد از مقدمه ارض طا فرار نموده بعراق آمد قل یا ایها المشرک ان الذی انفق روحه فی سبیل الله و کان بین یدی الناس و ورد علیه فی کل حین سهام القضاء و ما لم یحصها احد الا الله الملك العليم الخبیر و قام علیه اکثر الناس حتی انام التي کان فی العراق و فی کل یوم ینادی منهم بان یاخذوه و یرسلوه الی ارض الطاء و منهم من قال سوف یغرقونه فی الشط و منهم من قال ینفیه الدولة و کان علی ذلک شهید و علیهم و بکت علیه عیون کل الاشیاء بما مسته البساء و الظراء و انک کتبت ما کتبت الا لعنة الله علی الکاذبین کل اشیاء شاهد و گواه اند که در سنین توقف در عراق ابداً امید جان نبود و در کل حین ببلائی جدید مبتلا ... فوالله برین ظهور مع وصایای نقطه بیان جل اعزازه بلائی وارد شده که بر احدی از مظاهر قبل وارد نشده ... بلائی برین ظهور وارد که احدی محصی آن نه الا الله چنانچه در توقیع جناب جود علیه بهاء الله یک آیه نازل که و الله کبد اهل آفاق را گداخته قوله جل کبریاؤه انک رأیتی و عاشرتنی و عرفت بحر سکونی و جبل اضطباری فکرما اقامنی علی الصبحة بین السموات و الارضین در دوازده سنه توقف در عراق جمیع میدانند که چقدر جد و جهد فرمودند تا آنکه بعضی فواحش را از مابین این طائفه برداشتند و اگر هم نعوذ بالله بعضی مرتکب شده اند در ستر بوده فوالله یا غافل مطلع نیستی که بر چه مقری این اعتراضات نموده لو تعرف لتهلک نفسک فی الحین علت و سبب اعظم کدورت جمال ابهی از میرزا یحیی و الله الذی لا اله الا هو این بوده که در حرم نقطه اولی روح ما سواه فدا تصرف نموده با اینکه در کل کتب سماوی حرام و بیشرعی او بمقامی رسیده که مخصوص زوجات خود را در مکتوبات خود حرام نموده معذک دست تعدی بحرم مظهر ملیک علام گشوده



ORIGINAL

فاف له و لو فائه و كاش بنفس خود قناعت مینمود بلکه او را بعد از ارتکاب خود وقف مشرکین نموده ...  
بعد از ورود این ارض جمال مبارک و حضرت کلیم و میرزا یحیی هر یک در بیت علیحده مقرر داشتند و این  
ارض محلی نیست که نفسی بنفسی ظلم نماید و ظلمی را که مشرک بالله ارتکاب نمود در وقتی بود که تفریق  
واقع نشده بود و بعد از ظهور ما فی صدره بود که تفریق واقع چنانچه ذکر شد و ابدأً دیگر ملاقات نشده و  
گفتگوی لسانی بمیان نیامده فاسئل من اهل تلک الارض لتجد الی الصدق سبیل .

و در کتاب اقدس است قوله جل و عز قل یا مطلع الاعراض دماغ الاغماض ثم انطق بالحق بین الخلق تالله قد  
جرت دموعی علی خدودی بما اراک مقبلا الی هواک و معرض عما خلقک و سواک اذ کر فضل مولاک اذ  
ربیناک فی اللیالی و الايام لخدمة الامر اتق الله و کن من التائین انی اشتبه علی الناس امرک هل یشتبہ علی  
نفسک خف عن الله ثم اذ کر اذ کنت قائماً لدی العرش و کتبت ما القبناک من آیات الله المهیمن المقتدر  
القدر ایاک ان ینعک الحمیة عن شطر الاحدیة توجه الیه و لا تخف من اعمالک انه یغفر من یشاء بفضل من  
عنده لا اله الا هو الغفور الکریم انا نخصک لوجه الله ان اقبلت فلنفسک و ان اعرضت ان ربک غنی عنک و  
عن الذین اتبعوک بوهم مبین قد اخذ الله من اغواک ( واقعه سید محمد اصفهانی در عکا ) فارجع الیه خاضعا  
خاشعا متذللا انه یکفر عنک سیئاتک ان ربک لهو التواب العزیز الرحیم .

و در لوح خطاب بشیخ نجفی اصفهانی قوله الاعلی بعد از ورود در عراق بامر حضرت پادشاه ایران ایده الله دو  
ماه او ازید فاصله میرزا یحیی وارد شد ذکر نمودیم ما را حسب الامر باینجا فرستادند تو خوب است در ایران  
باشی و میرزا موسی اخوی را میفرستم بطرف دیگر چه که اسم شما در دیوان نیامده میتوانید بخدمتی قیام نمائید  
بعد این مظلوم دو سنه منقطعا عن العالم هجرت کرد از بغداد بعد از رجوع مشاهده شد توقف کردش و سفرش  
در عهده تاخیر مانده اینمظلوم بسیار محزون شد ... مخصوص چند نفر معین نمودیم بر جمع آثار نقطه و بعد از جمع  
میرزا یحیی و میرزا وهاب خراسانی که میرزا جواد معروف بود این دورا در محلی جمع نمودیم و دو دوره کتب  
حضرت نقطه را حسب الامر نوشته و تمام نموده اند اینمظلوم از کثرت مراوده با ناس کتب را ندیده و از آثار  
نقطه ببصر ظاهر مشاهده نموده و این آثار نزد ایندو بود که هجرت واقع شد و قرار شد میرزا یحیی این نوشتجات  
را بر داشته بشطر ایران توجه نماید و در آن ارض انتشار دهد و این مظلوم حسب الاستدعا وزرای دولت علیه  
بآن شطر توجه نمود و بعد از ورود در موصل مشاهده شد میرزا یحیی پیش از حرکت مظلوم رفته و منتظر  
است باری کتب و آثار در بغداد ماند و او خود بشطر علیه توجه نمود و جزء اینعباد شد حال حق شاهد است بر  
این مظلوم چه گذشت چه که بعد از زحمتهای زیاد آثار را گذاشت و خود بمهاجرین پیوست مدتها این مظلوم  
با حزان نا متناهیة مبتلا تا آنکه بتدبیری که غیر حق کسی آگاه نیست آثار را بمقام دیگر و ارض دیگر فرستادیم  
چه که در عراق عرب باید اوراق را در هر شهر ملاحظه نمود و الا از هم میریخت و ضایع میشد و لکن الله  
حفظها و ارسلها الی مقام قدرة الله من قبل انه هوا الحافظ المعین هر جا این مظلوم رفت میرزا یحیی از عقب  
آمد ... و لکن در سر سید اصفهانی او را اغوا نمود و عمل نمودند آنچه را که سبب فزع اکبر شد .

و قوله الایین سید محمد یکی از خدام بوده در ایامی که حسب خواهش دولت علیّه عثمانی بآن شطر توجه نمودیم همراه بوده بعد از او ظاهر شد آنچه لعمر الله قلم اعلیٰ گریست و لوح نوحه نمود لذا طردش نمودیم و بمیرزا یحیی پیوست و عمل نمود آنچه را که هیچ ظالمی ننمود ترکانه و قلنا اخرج یا غافل بعد از ظهور این کلمه بمولوی خانه رفته با آنها بوده الی ان جاء امر الخروج .

و در لوح خطاب بشیخ سلیمان قوله الاعلیٰ ضر بمقامی رسیده مقام عزیزی را که اگر جمیع ما کان بر خوان نعمتش حاضر شوند و الی آخر لا آخر از آنچه موجود است متنعم گردند ابداً کسی را حرفی نه نسبت بخل دادند و باطراف نوشتند که شهریه ما را قطع کردند .

و در مناجاتی است قوله الاعلیٰ فلما علت کلمتک و ظهرت عظمتک و لاح امرک و سلطانتک خرجوا عن خاف السّتر بغیا علی نفسک و اعراضاً عنک الی ان ارادوا قتلی .

و در لوح خطاب بشیخ نجفی اصفهانی است خطاب بحاجی میرزا هادی دولت آبادی در حق میرزا یحیی قوله الاعلیٰ نفسی که یک لطمه در دنیا نخورده و همیشه پنج نفس از اماء الله نزدش بوده او را مظلوم میگوئی و حق که از اول عمر تا بحال دست اعداء بوده و بیدترین عذابهای عالم معذب گشته باو نسبت داده آنچه را که یهود در حق مسیح نگفتند اسمع نداء المظلوم و لا تکن من الاخسرین... حضرت دیان که بقول نقطه روح ما سواه فداه مخزن امانت حق جلّ جلاله و مکن لالی علم اوست او را بظلمی شهید نمودند که ملاء اعلیٰ گریست و نوحه نمود و اوست نفسیکه علم مکنون و مخزون را باو تعلیم فرموده و در او ودیعه گذاشته بقوله ان یا اسم الدیان هذا علم مکنون مخزون قد اودعناک و آتیناک عزا من عند الله اذ عین فوادک لطیف تعرف قدره و تعز بهاء و قد منّ الله علی نقطه البیان بعلم مکنون مخزون ما نزل الله قبل ذلک الظهور و هو اعز من کل علم عند الله سبحانه و قد جعله حجة من عنده بمثل ما قد جعل الایات حجة من عنده. انتهى

آن مظلوم که دارای خزینه علم الهی بود مع جناب میرزا علی اکبر از منتسبین نقطه علیه بهاء الله و رحمته و جناب آقا ابوالقاسم کاشی و جمعی دیگر بفتوای میرزا کل را شهید نمودند یا هادی نگاش نزد تو حاضر است آنکه اسمش را مستقیظ گذارده بخوان اگر چه دیده و لکن مکرر مشاهده نما لعلک تتخذ لنفسک فی خباء الصدق مقاما رفیعا و همچنین آقا سید ابراهیم که در باره اش از قلم نقطه اولی این کلمات جاری قوله تعالی : ( ان یا خلیلی فی الصحف و ان ذکری فی الکتب من بعد الصحف و ان یا اسمی فی البیان ) انتهى

او و دیان را ابو الشور و ابو الدواهی نامیده حال انصاف ده که بر این مظلوما چه وارد شده مع آنکه یکی در خدمتش مشغول و دیگری بر او وارد باری لعمر الله باعملی عامل بوده که قلم حیا میکند از ذکرش قدری در عصمت نقطه اولی تفکر کن ملاحظه نما چه ظاهر گشته وقتیکه این مظلوم از هجرت دو ساله که در صحاری و جبال سالک بود و بسبب بعضی از نفوس که مدتها در بیابانها دویدند رجوع بدارالسلام نمود میرزا محمد علی

نامی رشتی بحضور آمد و امام جمعی بکلمهء نطق نمود در بارهء عصمت آنحضرت که فی الحقیقه حزن جمیع اقطار را اخذ نمود سبحان الله چگونه راضی شدند که باین خیانت اعظم تمسک جستند باری از حق می طلبیم که عامل را توفیق بخشد بر توبه و انابه آنه هوالمؤید الحکیم و جناب دیان علیه بهاءالله و رحمته بحضور فائز مطابق آنچه از قلم حضرت نقطهء اولی ظاهر شد .

و قوله الاعلی یفتخرون بخاتمک و یضربونه علی الالواح لاثبات ریاساتهم بعد الذی انی ارسلت الیهم لعل یتشعرون .